

**نویسنده :** دانیل ال دابیس (Daniel . L. Davis) .  
**منبع و تاریخ نشر :** انتی وار « 2018-07-24 » .  
**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## زمان صحبت با طالبان

*Time to talk the Taliban*

ما دیگر هیچ انتخابی ویا گزینه ای نداریم : جنگ «17» ساله  
در افغانستان در هر سطح شکست خورده است ، در حالیکه تنها  
خشونت بدتر شده است

**We have no choice. The 17-year war in Afghanistan  
has failed at every level, while the violence is only  
getting worse**



**سربازان امریکا در افغانستان ( عکاسی از فیلکر )**

گزارشات اخیر نشان دهنده ویا حاکی از آن است که رهبری کاخ سفید به دیپلمات  
های ارشد خود هدایت داده است که با طالبان بطور مستقیم به مذاکره بپردازند که این

خود یک اقدامی است که در آغاز جنگ افغانستان غیر قابل تصور پنداشته میشد، اما امروز از آن تاریخ بسیار دیر شده ولی با وجود انتقادات مطرح شده در پیرامون این مذاکرات باز هم بهترین فرصت برای پایان دادن به جنگ طولانی و بی فایده امریکا در افغانستان میبا شد .

در حالیکه برای ادامه فعالیت های ایالات متحده امریکا در افغانستان توافق گسترده ای وجود دارد که رهبران امریکا پس از حملات یازدهم سپتمبر برای انجام عملیات های نظامی شان مجوز و توافق مقامات ملی و بین المللی را بدست آورده اند اما بعد از سپری شدن (17) سال جنگ دشوار است که باز هم هیپکس نمیتواند بداند که چگونه این جنگ را در این شرایط نظامی به پایان رساند - به احتمال قوی بزرگترین مانع پایان دادن به جنگ کلمه « پیروزی » است ، جنرال ایستسیلی مک کریستل فرمانده کل قوای نظامی امریکا در افغانستان در سال (2009) طی یک صحبت خبری خود گفت : « که پیروزی در افغانستان به معنای «تغییر حرکت در درک و یا معکوس کردن روند تحریک آمیز» طالبان و تلاش به رشد سریع نیروهای امنیتی افغان و مقابله با مسئله فساد است که توسط برخی از مقامات افغان صورت میگیرد .

بهر صورت جنرال اوستین میلر (G. Austin S. Miller) که اخیراً وظیفه فرماندهی نیروی های نظامی امریکا مستقر در افغانستان را برای مدت (9) سال کامل بعهده داشت و در این مدت اوتوانست که صفر موفقیت را از آن خود کند با وجودیکه بارها داد می زد که « تروریست ها ، هرگز نمیتوانند از افغانستان بعنوان یک پناهگاه امن استفاده کنند و یا این توان را ندارند و یا نخواهند داشت که امریکا را تهدید کنند .» .

\* در افغانستان عموم مردم امیدوار هستند که هفدهمین سال جنگ بصورت قطعی پایان این سحر و افسون و جنگ باشد .

\* آیاخلاقاً میتوانیم تعریف کنیم که افغانستان را هرگز باز سازی نکردیم و یا نتوانستیم که افغانستان را باز سازی کنیم .

دلیل اینکه چرا جنرال استلی مک کریستل موفق به ختم جنگ در افغانستان نشد و جنرال اوستین میلر به همان شکل شکست خورد این است که رسیدن به اهداف از قبل مطرح شده از راه نظامی در این کشور غیر ممکن است . انتظار به پایان دادن جنگ در چنین شرایطی جنگی و پیشگوی تضمین دایمی خود شکست است که از وضع باید برای اصلاح اصلی از اشتباه درس عبرت گرفت .

بهر حال نگه داشتن و حفظ حضور (15000) نفر سربازان امریکایی در قلمرو و زمین افغانستان هیچ مانع از حملات تروریستی را علیه امریکا که اصلاً از افغانستان صورت نمیگردد ایجا دکرده نمیتواند و با وجود این واقیعت تلخ همانا عدم موفقیت ایالات متحده امریکا است که در سال جاری حد اقل (45) ملیارد دلار را به تنهایی برای چرخاندن عراده ماشین جنگی خود میخواهد بپردازد و یا تمویل نماید ، اما آنچه که درست و کاملاً

منطقی است، همانا قطع جنگ و خروج سریع نیروهای نظامی ما از افغانستان است تا که بتوانیم با خیال راحت چنان عملی را انجام دهیم که دیگر نیروهای نظامی خود را در معرض خطر و تباهی قرار ندهیم.

من شخصاً در سال دوم عملیات جنگی خود در افغانستان از نزدیک مشاهده کردم که حتی ما با (14000) سرباز از ایالات متحده آمریکا و تعداد از قوت‌های پیاده نظام پیمان «ناتو» در روی زمین افغانستان و همچنان قوت‌های چندی از کشورهای دیگر که بگونه غیر مستقیم با نیروهای جمعی متذکره یکجا و متحد بوده و از قلمرو افغانستان در مقابل مخالفان دولت مبارزه میکردند و منطقه‌ای وجود نداشت که در آنجا سپاهیان خارجی به چشم نخورند ولی ثمره آنرا همه دیدند - روی هم رفته آنچه که کشور ما از گزند تجاوز تروریست‌ها در امن قرار داشت و به حفظ امنیت ما کمک میشد آن بود که ما قوی‌ترین و متمرکزترین سازمان اطلاعاتی و فعالان نظارتی و شناسایی را با خود داشتیم که به همکاری سازمان (سی‌ای‌ای) و (اف‌بی‌ای) و نیروهای قانونی و رسمی محلی مرزهای ما را از تهاجم دشمن حراست میکردیم.

بسیاری از افسران ادعا میکنند که اگر ارتش آمریکا از افغانستان خارج شود، هرج و مرج در آنجا حکومت خواهد کرد و تقریباً این موضوع قطعاً درست هم است اما این همان چیزی است که ما تا حال افغانستان را شناخته ایم و یاشناسایی کرده ایم این است که چگونه امروز و یا در این شرایط و کاملاً بدون در نظر گرفتن زمان و یا تحت چه شرایطی ایالات متحده خواهد توانست که این کشور را ترک کند، این همان چیزی است که در آینده دیده خواهد شد ولی تا زمانیکه افغان‌ها به محل بودوباش و اقامت‌های دائمی خود برنگردند نمیتوان سیمای این جنگ را به تصویر کشید. در اینجا ضرورت پرسشی که از سیاست‌سازان (policymakers) ایالات آمریکا باید صورت گیرد این است: که چه چیز مهمتر برای منافع آمریکا است؟ آیا حفظ و ادامه یک جنگ دائمی و طولانی پرهزینه با در نظر داشت جلوگیری از تهاجم بالایی آمریکا در آینده‌ها یا پایان دادن به مشارکت آمریکا در این جنگ نامعلوم و دائمی؟

ادامه جنگ و مبارزه در یک کشوری که نمیتوان آنرا از طریق جنگ وجدال بدست آورد و یا به اهداف از قبل طرح شده‌ای خود نایل آمد، دنبال همچو سیاست طبعاً بیهوده و ناکارآمد است آنچنانیکه ایالات متحده آمریکا دارد که در ادامه این جنگ تمام منابع حیاتی خود را بدون کدام دستاورد تخلیه خواهد کرد و در کنار آن خون هزاران سرباز آمریکایی آنچنانیکه تا کنون ریخته است خواهد ریخت و توانایی‌های نیروهای مسلح آمریکا را در برابر تهدیدهای بالقوه موجود از بین خواهد برد و حالانکه در عین حال خطر تهدید تروریسم بین‌المللی را نیز کاهش نخواهد داد - لذا برای تقویت امنیت ملی ما ما باید به سیاست دائمی مبتنی به شکست خود با محاسبه درست و بطور موثر پایان دهیم و نیز باید که مأموریت نظامی خود را در این کشور متوقف سازیم. با وجودیکه این

طرح از نظر اصولی درست است اما ممکن با مخالفت های قابل ملاحظه مواجه شود یکی از استدلال های که در برابر این طرح یعنی ترک از عرصه جنگ در افغانستان پیش می آید (9) سال قبل توسط مک کریستل مطرح شد یعنی هنگامیکه او برای مردم امریکا (راه حل و فصل) جنگ افغانستان را نشان داد و گفت که عدم اطمینان متحدان ما را متزلزل و دشمنان ما را تحریک میکند لذا از حقایق موجود نمیتوان چشم پوشی کرد. لذا اکنون برای همه معلوم شده است که بادر نظر داشت مدت هشت سال زمامداری بارک اوباما و (500) روز اول از تسلط و اداره دونالد ترومپ چنان نتیجه را میتوان مشاهده کرد که این جنگ هرچه بیشتر وخیم و در حال هرچه وخیمتر شدن خود است.

از هنگام راهنمایی و نشان دادن راه حل و فصل جنگ در افغانستان توسط جنرال مک کریستل کنون حفظ و ادامه جنگ به این وضعیت ناشی از مشتعل شدن طالبان است که تعداد شان به (77) هزار نفر رسیده است و همین اکنون قلمرو بیشتر و یا مناطقی زیاد افغانستان را بعد از سال (2001) در تحت تصرف و کنترل خود دارند و با دولتی میجنگند که این دولت یعنی رژیم کنونی افغانستان یکی فاجعه بارترین رژیمهای بدنام در این سیاره میباشد حسب گزارشات رسیده تعداد تلفات غیر نظامیان در نیمه سال (2018) بالاترین میزان صبت شده است که این خود شدت و وخامت این جنگ را نشان میدهد.

تنها راه این شکست دایمی به پایان میرسد و یا به عباره ساده زمانی ما میتوانیم از این شکست افتضاح آمیز رهایی یابیم که اگر ریس جمهور دونالد ترومپ از خود جرئت و شجاعت اخلاقی نشان دهد چنانچه که اوبعضی اوقات همچنین شجاعت و جرئت را در برابر فیصله ها و اشنگتن نشان داده است و با این معنی که نادیده گرفتن وضعیت موجود است که گروگان گیری امنیتی ما را به عهده دارد- جنگ را پایان میدهد و سربازان ما را فرا میخواند و البته که بدون همچو تصمیم و قطعنامه ما میتوانیم که بر ادامه شکست خود در افغانستان حساب کنیم و در صورت تحقق این قطعنامه امنیت امریکا تقویه خواهد شد و آماده گی ها بهبودی می یابد.

**چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :** دانیل دیویس یکی از اعضای

ارشد در اولویت های دفاع و یک افسر و سرهنگ سابق از نیروهای ایالات متحد امریکا است که پس از (21) سال خدمت در ارتش بازنشسته شد او در اکثر عملیات های رزمی اشتراک نرده است از جمله در چهار عملیات فوق العاده رزمی... با او میتوان در

ایمیل ادرس ذیل تماس گرفت. [DanielDavis1@tweeter](mailto:DanielDavis1@tweeter)

----- **با تقدیم سلام ها « 2018-08-04 »**